

پیشگیری اولیه از جرایم زیست‌محیطی در آموزه‌های قرآنی

اصغر احمدی^{۱*}، قدرت‌الله خسروشاهی^۲، مجتبی میرشکار^۳

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی

۲. استادیار؛ دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

۳. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی

(تاریخ دریافت: ۹۵/۸/۸؛ تاریخ پذیرش: ۹۷/۱/۱۹)

چکیده

قرآن کریم برای پیشگیری از جرایم زیست‌محیطی آموزه‌های ارزشمندی دارد که توسل و به‌کارگیری آنها در پرتو مدل پیشگیری اولیه می‌تواند نقشی ارزنده را در پیشگیری از این جرایم ایفا کند. در مدل پیشگیری اولیه (برخلاف پیشگیری ثانویه و ثالثیه که در آن مشکل و بحران پدیدار شده است) هنوز بحرانی به‌وجود نیامده، از این‌رو اهداف این پیشگیری بر جلوگیری از پدیدار شدن موقعیت‌های آسیب‌زا تمرکز دارند. با نگاهی به قرآن کریم نمایان می‌شود که آموزه‌های قرآنی برای پیشگیری از جرایم زیست‌محیطی در قالب دو رویکرد فردمحور و جامعه‌محور متجلی می‌شوند. در رویکرد فردمحور آموزه‌هایی چون اعتقادات پیشگیرانه (اعتقاد به خداوند و آیه بودن مخلوقات زیست‌محیطی و اعتقاد به فواید طبیعت برای انسان) و آموزه‌های اخلاقی (کنترل درونی احترام به محیط زیست) وجود دارند، حال آنکه در پرتو رویکرد جامعه‌محور می‌توان به نقش آموزه‌های اقتصادی (منع اسراف در زمین و تکلیف به آبادانی آن) و آموزه‌های اجتماعی (عدالت زیست‌محیطی و منع تبعیض در آن) اشاره کرد.

واژگان کلیدی

پیشگیری اولیه، جرایم زیست‌محیطی، رویکرد جامعه‌محور، رویکرد فردمحور، قرآن کریم.

مقدمه

امروزه جرایم زیست‌محیطی^۱ ملی همچون آلودگی هوا، آب و خاک، حیوان‌آزاری، تخریب درختان و گیاهان و از بین بردن تنوع زیستی از یک سو و جرایم زیست‌محیطی فرامرزی همچون تغییرات آب و هوایی، انتقال غیرقانونی و دفع پسماندهای سمی، انتقال مواد خطرناک همچون مواد کاهنده لایه اوزون، قاچاق مواد بالقوه یا بالفعل پرتوزا و هسته‌ای، رشد پسماندهای الکترونیکی، غصب زیستی و تجارت غیرقانونی گیاهان و جانوران (وایت، ۱۳۹۴: ۳۷ - ۳۸) تأثیر عمده‌ای بر سلامت زیستی گذاشته است.^۲ با توجه مشکلات عدیده‌ای که برای محیط زیست پیش آمده^۳، پرسش آن است که چگونه می‌توان از وقوع این آسیب‌ها پیشگیری کرد. برای پاسخ به این پرسش، متخصصان حوزه محیط زیست راهکارهای متفاوتی ابراز کرده‌اند؛ اما این راه‌حل‌ها چندان کارساز نبوده و جرایم زیست‌محیطی به میزان فزاینده‌ای در حال افزایش است. به همین دلیل علامه اقبال لاهوری معتقد است که: «بحران زیست‌محیطی کاملاً یک بحران فرهنگی است و راه‌حل آن هم باید از همین رهگذر پیگیری شود و چاره‌ای جز این نیز نیست. راه‌هایی که بشر امروز به دنبال آن است، مانند تشکیل جلسات و تنظیم

1. Environmental Crimes

۲. یکی دیگر از عواملی که سبب آسیب جدی به محیط زیست می‌شود، پدیده جنگ است. امروزه جنگ‌های داخلی و بین‌المللی، خسارات ناگواری را به محیط زیست وارد کرده است. نمونه بسیاری از این خسارات در جنگ‌های اول و دوم جهانی و اقدامات تروریستی صورت‌گرفته در منطقه خاورمیانه قابل مشاهده‌اند. به عنوان مثال بنا به گزارش بنیاد ملی حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، سردمداران این کشور در بمبارانی که بر روی مناطق کشور خود داشتند، در یک روز چهارده هزار درخت نخل خرما را از بین بردند (www.radiomaaref.ir).

۳. به دلیل همین مشکلات است که هیأت بررسی تهدیدها، چالش‌ها و دگرگونی‌های سازمان ملل متحد، از هم پاشیدگی محیط زیست را در کنار تنگدستی (فقر)، بیماری‌های واگیردار، جنگ میان دولت‌ها، جنگ داخلی، نسل‌زدایی، رفتارهای غیرانسانی، ویرانی جنگ‌افزارهای کشتار گروهی، تروریسم و بزه سازمان‌یافته فراملی، تهدیدهای ده‌گانه جهان حاضر دانسته است (http://en.wikipedia.org/wiki/ten_treats به نقل از عالی‌پور، ۱۳۸۹: ۱۸۹).

کنوانسیون‌ها، راه چاره‌نهایی نیست» (محقق داماد، ۱۳۹۰: ۱۷۸). بدین سان به نظر می‌رسد یکی از سازوکارهای مفید برای پیشگیری از این جرایم توسل به آموزه‌های قرآنی باشد. در واقع اسلام، مکتب جامعی است که در تمام شئون زندگی بشر آموزه‌های ارزنده‌ای دارد (اسماعیلی و همکاران، ۱۳۸۶: ۵۶) که یکی از آنها حوزه پیشگیری از جرایم زیست‌محیطی است. در میان آیات مبارکه قرآن کریم ۱۹۸ آیه متضمن مضامین محیط زیستی بوده که اکثر آنها در رابطه با زمین است (فهیمی و عرب‌زاده، ۱۳۹۱: ۱۸۸) و از نگاهی وسیع‌تر بیش از ۷۵۰ آیه به طبیعت اختصاص دارد (رجبی باقرآباد، ۱۳۹۳: ۱۵). به دیگر سخن نگاهی اجمالی به آیات قرآن، تصویر زیبایی از توجه این کتاب آسمانی به خواننده می‌دهد که نشان از اهمیت مقوله محیط زیست دارد. در قرآن ۱۵۴۱ بار واژه ارض، ۳۱۰ بار واژه سماء، ۶۴ بار واژه ماء و ۳۶ بار واژه جبل به کار رفته است (فهیمی و مشهدی، ۱۳۹۳: ۱۹).^۱

یکی از مدل‌هایی که در پرتو آموزه‌های قرآنی نقش ارزنده‌ای در پیشگیری از جرایم زیست‌محیطی خواهد داشت، مدل پیشگیری سه مرحله‌ای است.^۲ این مدل که از سه مرحله پیشگیری اولیه^۳، ثانویه^۴ و ثالثیه^۵ تشکیل می‌شود، با توجه به سطح پیشرفت یک

۱. هرچند در قرآن کریم انسان به‌عنوان اشرف مخلوقات شناخته شده است، این امر به معنای آن نیست که هر رفتاری را بر علیه طبیعت روا دارد؛ زیرا خداوند ارزش محیط زیست را همسان انسان پنداشته است. چنانکه در آیه ۳۸ سوره انعام پرنده‌گان و دیگر جانداران در زمین را امت‌هایی همانند انسان به‌شمار آورده است: (وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا طَائِرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ إِلَّا أُمَمٌ أُمَّتُكُمْ مَا قَرَّبْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يُحْشَرُونَ)؛ و هر جنبه‌ای در زمین و هر پرنده‌ای که به دو بال در هوا پرواز می‌کند، همگی امت‌هایی مانند شما نوع بشر هستند.

۲. مدل پیشگیری سه مرحله‌ای، برگرفته از الگوی پزشکی است که با توجه به میزان بیماری در سه مرحله، مداخله‌های پزشکی صورت می‌گیرد. این مدل، برای نخستین بار در سال ۱۹۶۷ وارد بحث‌های جرم‌شناسی پیشگیرانه شد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۱: ۵۰۸).

3. Primary Prevention

۳. Secondary Prevention پیشگیری ثانویه شامل اقدام‌های پیشگیرنده می‌شود که ناظر به گروه‌های خاص است که بیم ارتکاب جرم از سوی اعضای آنها می‌رود. به‌عبارت دیگر مخاطب این اقدام‌ها، یک گروه یا جمعیت خاص است، مثل کودکان و نوجوانان محله‌های فقیر یا بی‌بضاعت و دارای وضعیت نامناسب (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۸: ۱۳۸).

۴. Tertiary Prevention پیشگیری ثالثیه ناظر به پیشگیری از تکرار جرم از طریق اعمال اقدام‌های فردی و سازگارسازی مجدد بزهکاران قدیمی است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۸: ۱۳۹).

مشکل در هر مرحله، با آن برخورد می‌کند. در پیشگیری اولیه هنوز مشکلی پیش نیامده و هیچ نشانه یا علتی از آن نیز وجود ندارد، اما امکان و احتمال پدید آمدن آن به صورت یک تهدید بالقوه وجود دارد. در این مرحله اقدامات پیشگیرانه به صورت کلی و عمومی و به منظور از میان بردن یا کاهش احتمال وقوع مشکل صورت می‌گیرد. این اقدامات در راستای حفظ و ارتقای وضعیت موجود برای جلوگیری از پدید آمدن یک وضعیت نامطلوب است. به همین دلیل همه اقدام‌هایی که برای بهبود شرایط زندگی و تغییر دادن اوضاع و احوال و شرایط جرم‌زای محیط فیزیکی و اجتماعی است (نجنفی ابرن‌آبادی، ۱۳۷۸: ۱۳۸) اعم از اقدامات اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، آموزشی، مدیریت شهری و شهرسازی و به طور کلی، سازماندهی اجتماعی در این نوع از پیشگیری قرار می‌گیرند. در این مرحله، شرایط زندگی فردی و اجتماعی به گونه‌ای طراحی می‌شوند که به تحقق یک وضعیت ایده‌آل و مطلوب بر اساس نظام ارزشی حاکم بر جامعه و اهداف برآمده از آن بینجامد، به گونه‌ای که همه عوامل، شرایط، زمینه‌ها و فرصت‌های مناسب برای رشد و تعالی فردی و اجتماعی فراهم آید.

آموزه‌های قرآنی در ارتباط با پیشگیری اولی دارای دو بعد فردی و اجتماعی هستند و به تکوین شخصیت فردی و طراحی ساختار اجتماعی (به گونه‌ای که تأمین‌کننده سلامت فردی و اجتماعی باشند) مربوط می‌شوند. به دیگر سخن آموزه‌های قرآنی برای پیشگیری اولیه از جرایم زیست‌محیطی سازوکارهای مختلفی را در دو بعد فردمحور و جامعه‌محور ارائه می‌دهد. در بعد نخست، محور بحث بر روی اعتقادات پیشگیرانه و آموزه‌های اخلاقی انسان‌ها است. در سازوکار اعتقادات پیشگیرانه می‌توان آموزه‌های اعتقاد به خداوند و آیه بودن مخلوقات زیست‌محیطی و اعتقاد به فواید طبیعت برای انسان را مثال زد. از سوی دیگر در سازوکار آموزه‌های اخلاقی به نقش خودکنترلی در پیشگیری از جرایم زیست‌محیطی تأکید می‌شود. اما در بعد دوم، نگاه وسیع‌تری به موضوع وجود دارد و از این رو به آموزه‌های اقتصادی و اجتماعی اشاره می‌شود که در پرتو آموزه‌های اقتصادی نباید در زمین اسراف و فساد کرد و همواره باید بر آبادانی آن همت گمارد، و در پرتو آموزه‌های اجتماعی نیز باید به منع تبعیض و برخورداری برابانه از مواهب خدادادی پایبند

بود. در این مقاله، ابتدا آموزه‌های قرآنی در پیشگیری از جرایم زیست‌محیطی از رهگذر بعد فردمحور تحلیل می‌شوند (۱) و سپس به آموزه‌های جامعه‌محور پرداخته خواهد شد (۲).

پیشگیری فردمحور

تأکید نخست اسلام بر تعلیم و تربیت افراد جامعه و ساختن انسان‌هایی است که به لحاظ اعتقادی، روانی و رفتاری تعادل داشته باشند و از هر گونه گمراهی و اختلال روانی و رفتاری دور باشند. انسان‌هایی که با اعتقاد راسخ به مبدأ عالم هستی خود را در برابر او مسئول می‌دانند و معاد را میعادگاه پاسخگویی در برابر این مسئولیت و رسیدن به نتایج عملکرد خود می‌شمرند و این اعتقاد آنان را به حرکت در مسیری که خداوند برای آنان ترسیم کرده است، برمی‌انگیزد و رفتار آنان را در حوزه‌های مختلف زندگی، اعم از فردی و اجتماعی تحت کنترل قرار می‌دهد (خسروشاهی، ۱۳۹۳: ۳۹). چنین انسان‌هایی نه تنها از هرگونه رفتار ظالمانه با محیط زیست دوری می‌کنند، بلکه همواره می‌کوشند رفتاری محبت‌آمیز و خیرخواهانه با آن داشته باشند. پیشگیری اولی فردمحور در دو بعد اعتقادات پیشگیرانه و آموزه‌های اخلاقی متبلور می‌شود که در این قسمت به نقش این محورها در پیشگیری از آسیب‌های زیست‌محیطی پرداخته خواهد شد.

اعتقادات پیشگیرانه

مهم‌ترین و اثربخش‌ترین آموزه‌های دینی، آموزه‌های اعتقادی است که به‌منزله شالوده دیگر آموزه‌های دینی هستند. اعتقادات دینی انسان را از درون با دین پیوند می‌دهند و حقیقت دین را در فکر، اندیشه، احساس و رفتار انسان جاری می‌کنند. شخصیت انسان بیشترین تأثیر را از آموزه‌های اعتقادی می‌پذیرد و تحت تأثیر آنها شکل می‌گیرد. البته میزان تأثیرپذیری انسان‌ها از این آموزه‌ها متفاوت است و بر همین اساس میزان تدین و دینداری افراد متفاوت خواهد بود. تأثیر پیشگیرانه اعتقادات دینی نیز بر اساس میزان تأثیرپذیری انسان‌ها از آموزه‌های اعتقادی متفاوت خواهد بود. در برخی انسان‌ها این تأثیرپذیری و اعتقاد چنان قوی است که آنان را از هرگونه انحراف و کجروی و حتی اندیشیدن به آن

بازمی‌دارد و در برخی دیگر چنان ضعیف است که به‌راحتی به هرگونه انحراف روی می‌آورند و اعتقاداتشان کمترین تأثیر بازدارنده را بر رفتار آنان ندارند. به همین دلیل قرآن کریم به مؤمنان نیز دستور می‌دهد به خدا و رسولش ایمان بیاورند: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ءَامِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ) (نساء: ۱۳۶) و این دلیل مراتب داشتن ایمان است، وگرنه تحصیل حاصل ممکن نیست. قرآن کریم در جای دیگر می‌فرماید: (أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ وَمَا نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ) (حدید: ۱۶)؛ آیا هنگام آن نشده است که قلب‌های مؤمنین در برابر یاد خداوند خاشع و تسلیم شوند.

از سوی دیگر، ممکن است بازدارنده نبودن اعتقاد، به‌دلیل غفلت و بی‌توجهی انسان باشد. گاه انسان اعتقادات نسبتاً قوی دارد که در شرایط عادی بازدارنده‌اند، اما در شرایط خاص عواملی موجب غفلت و بی‌توجهی انسان به معتقدات خود می‌شود و در نتیجه، آدمی مرتکب گناه و کجروی خواهد شد. به همین دلیل قرآن کریم انسان‌ها را از غفلت و فراموش کردن خداوند بازمی‌دارد و آن را عامل اصلی انحراف و کجروی معرفی می‌کند: (وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنفُسَهُمْ أُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ) (حشر: ۱۹)؛ و مانند آن کسانی مباشید که خدا را فراموش کردند و خدا هم خود آنان را از یاد خودشان ببرد و ایشان همان فاسقانند. اعتقادات پیشگیرانه در خصوص پیشگیری از آسیب‌های زیست‌محیطی را می‌توان در دو بخش نظاره‌گر بود. نخست اعتقاد به خداوند و آیه بودن مخلوقات زیست‌محیطی و دوم اعتقاد به فواید طبیعت برای انسان.

اعتقاد به خداوند و آیه بودن مخلوقات زیست‌محیطی

بنیادی‌ترین آموزه اعتقادی در همه ادیان الهی و از جمله اسلام که زیربنای همه اعتقادهای دینی محسوب می‌شود، آموزه توحید است. بر اساس این آموزه، جهان هستی مخلوق و آفریده و تحت تدبیر خالق یگانه و بی‌نظیر، توانا، آگاه، صاحب اراده و حکیم قرار دارد که دارای همه اسماء و صفات نیکو در حد بی‌نهایت است و از هر عیب و نقص منزّه و مبراست. قرآن کریم تجلیگاه اسماء و صفات خداوند است و این کتاب را می‌توان شرح اوصاف و ویژگی‌های او دانست. در این کتاب مقدس استدلال‌های متنوعی بر وجود خداوند و یگانگی او و نیز بر حکمت، دانایی، قدرت، اراده و مشیت او اقامه شده، تا

انسان‌ها اعتقاد راسخ و خلل‌ناپذیری به خداوند و اوصاف جمال و جلال او پیدا کنند. این کتاب افزون بر استدلال‌های عقلی که موجب علم حصولی و اکتسابی انسان به خداوند متعال می‌شود و انسان را از بیرون متوجه خداوند می‌کند، آدمی را از درون و از طریق فطرت و معرفت شهودی نیز متوجه خداوند می‌کند و همه انسان‌ها را برخوردار از یک معرفت درونی و بی‌واسطه به خداوند متعال می‌داند.

اعتقاد به خدا، همراه با اعتقاد و ایمان به فرامین الهی و ایجاد علاقه و عاطفه‌ای است که در صورت نهادینه شدن آن در باورهای انسان، تأثیر مستقیم و غیرمستقیمی در رفتار انسان خواهد داشت و شدیدترین نوع این محبت نسبت به خالق انسان خواهد بود: (وَمِنَ النَّاسِ مَن يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَندَادًا يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ وَلَوْ يَرَى الَّذِينَ ظَلَمُوا إِذْ يُرُونَ الْعَذَابَ أَنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا وَأَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعَذَابِ) (بقره: ۱۶۵)؛ و برخی از مردم، در برابر خدا همانندهایی برای او برمی‌گزینند و آنها را چون دوستی خدا دوست می‌دارند، ولی کسانی که ایمان آورده‌اند به خدا محبت بیشتری دارند. کسانی که با برگزیدن بت‌ها به خود ستم نموده‌اند اگر می‌دانستند هنگامی که عذاب را مشاهده کنند تمام نیروها از آن خداست و خدا سخت کیفر است. بنابراین همه روابط انسان با دیگران توسط خداوند متعال تنظیم می‌شود و نفرت یا علاقه خویشاوندی و عاطفی هیچ‌گاه نباید مانع دوری از حق و تظلم به آنها شود. به گونه‌ای که خداوند خطاب به حضرت نوح (ع) می‌فرماید که نباید از فرزند کافر خود شفاعت بکند و محبت واقعی به خداوند، ملازم با پیروی از فرامین اوست: (وَلَا تَكُنْ مَعَ الْكَافِرِينَ) (هود: ۴۲) (خسروشاهی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۲۲). بدین‌سان چنانچه اعتقاد بر وجود خالق شکل گیرد، اعتقاد بر مخلوقات وی همچون اجزای محیط‌زیست مانند آب، هوا، خاک، زمین، گیاهان، درختان و جانوران به وجود خواهد آمد. در این حالت است که این اعتقاد بنیاد می‌گیرد که تعدی و تجاوز به مخلوقات خداوند، تعدی به خداوند است.

خداوند متعال در آیات بسیاری از قرآن کریم به مخلوقات زیست‌محیطی خود اشاره کرده که این امر رهنمودی است که انسان از تخریب آنان پرهیز کند. به دیگر سخن در قرآن کریم آیات بسیاری وجود دارد که در آنها خداوند تنها خالق هستی معرفی شده است

(نبوی و شهریار، ۱۳۹۳: ۶۹). نخستین پیام پروردگار در خصوص خلق آسمان‌ها و زمین بوده که در آیات بسیاری بر آن تأکید شده است. از جمله آیه ۴ سوره حدید که می‌فرماید: (هُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ...): اوست خدایی که آسمان‌ها و زمین را در شش روز آفرید...؛ (خَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَلْآيَةَ لِلْمُؤْمِنِينَ) (عنکبوت: ۴۴)؛ خدا آسمان و زمین را به حق آفریده است و در این خلقت آسمان و زمین آیت و نشانه ربوبیت کاملاً برای اهل ایمان پدیدار است؛ (وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ مُّحِيطًا) (نساء: ۱۲۶)؛ هر چه در آسمان‌ها و زمین است، ملک خداست و خدا به همه چیز احاطه و آگاهی دارد؛ (وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ...) (روم: ۲۲)؛ یکی از آیات قدرت الهی خلقت آسمان‌ها و زمین است؛ (الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا...) (ملک: ۳)؛ آن خدایی که هفت آسمان بلند را به طبقاتی منظم بیافرید؛ (تَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ) (ملک: ۱)؛ بزرگوار خدایی که سلطنت ملک هستی به دست قدرت اوست و او بر همه چیز تواناست.

خداوند متعال پس از اشاره به خلق آسمان‌ها و زمین، با بیان اینکه امکاناتی را در زمین قرار داده است، بار دیگر بر خالق بودن خود تأکید می‌کند. (وَلَقَدْ مَكَّنَّاكُمْ فِي الْأَرْضِ وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ) (اعراف: ۱۰)؛ شما را از امکانات زمین بهره‌مند ساختیم و وسایل معیشت شما را در آن فراهم کردیم؛ (وَالَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا) (بقره: ۲۹)؛ و اوست آن (آفریننده‌ای) که همه آنچه در زمین است، برای شما آفرید. بدین‌سان تمامی اجزای عالم هستی که جهان طبیعت بخشی از آن است، همه نشأت‌گرفته از مبدأ هستی مطلق و تجلیات گوناگون حق و نشان‌دهنده ذات واجب‌الوجود هستند (محقق داماد، ۱۳۸۴: ۲۱). با توجه به اینکه از دیدگاه اسلام تمامی موجودات دارای آگاهی هستند (حق‌شناس و ذاکری، ۱۳۸۷: ۲۷)، خداوند متعال علاوه بر آسمان و زمین در آیات بسیاری از قرآن کریم به دیگر اجزای محیط زیست اشاره داشته و آنها را مخلوق خود معرفی کرده است. از جمله در مورد حیوانات می‌فرماید: (وَاللَّهُ خَلَقَ كُلَّ دَابَّةٍ مِنْ مَاءٍ فَمِنْهُمْ مَنْ يَمْشِي عَلَىٰ بَطْنِهِ وَمِنْهُمْ مَنْ يَمْشِي عَلَىٰ رِجْلَيْنِ وَمِنْهُمْ مَنْ يَمْشِي عَلَىٰ أَرْبَعٍ يَخْلُقُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ)

(نور: ۴۵)؛ و خدا هر حیوان را از آب آفرید و انواع گوناگون ساخت که بعضی مانند مارها بر شکم روند و برخی مانند انسان بر دو پا و برخی چون اسب و گاو و شتر بر چهار پا حرکت کنند و خدا هر چه خواهد بیافریند که حق به قدرت کامله بر همه کار تواناست. در نهایت خداوند در مورد هر آنچه آفریده است، می‌فرماید: (وَالْأَرْضَ مَدَدْنَاهَا وَالْقِيَامَةَ فِيهَا رَوَّاسِي وَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَّوْزُونٍ * وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ وَمَنْ لَسْتُمْ لَهُ بِرَازِقِينَ * وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنزِلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَعْلُومٍ * وَأَرْسَلْنَا الرِّيَّاحَ لَوَاقِحَ فَأَنْزَلْنَا مِنْ أَسْمَاءٍ مَاءً فَاَسْقَيْنَاكُمُوهُ وَمَا أَنْتُمْ لَهُ بِخَازِنِينَ) (حجر: ۱۹ - ۲۲)؛ و زمین را هم ما بگسترديم و در آن کوه‌های عظیم برنهادیم و از آن هر چیز را مناسب و موافق حکمت و عنایت برویاندیم و در این زمین هم لوازم معاش شما نوع بشر را فراهم آوردیم و هم برای سایر حیوانات که شما روزی آنها را نمی‌دهید، قوت و غذا فراهم ساختیم و هیچ چیز در عالم نیست جز آنکه منبع و خزانه آن نزد ما خواهد بود، ولی ما از آن به عالم خلق الا به قدر معین که مصلحت است، نمی‌فرستیم و ما بادهای آبستن کن رَحِمَ طَبِيعَتِ را فرستادیم تا با آن آب شما و نباتات و حیوانات شما را سیراب گردانیم و شما نمی‌توانستید «آب‌هایی را برای وقت حاجت خود در هر جای زمین» منبع ساخته جاری سازید. بنابراین در دیدگاه اسلام جهان هستی مخلوق خداوند واحد است و مالکیت خداوند بر مخلوقات خویش مسلم است (عابدی سروسنانی و همکاران، ۱۳۸۶: ۶۵).

هرچند خداوند در آیات بسیاری از قرآن در خصوص تسخیر طبیعت توسط انسان سخن گفته است: (وَسَخَّرَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِ إِيَّاكُمْ فِي ذَلِكَ لَأَيَّاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ...) (نحل: ۱۲)؛ و شب و روز را به خدمت شما گذاشت و خورشید و ماه و ستارگان به فرمان وی در خدمت شما هستند که در این، برای گروهی که عقل خود را به کار برند، عبرت‌ها است؛ (وَسَخَّرَ لَكُمُ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ دَائِبِينَ وَسَخَّرَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ) (ابراهیم: ۳۳)؛ و خورشید و ماه را که پیوسته در حرکت هستند به خدمت شما گماشت و شب و روز را (نیز) به تسخیر شما در آورد؛ (أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مِمَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمِمَّا فِي الْأَرْضِ...) (لقمان: ۲۰)؛ آیا ندیدید که خداوند آنچه در آسمان‌ها و زمین است، مطیع شما کرد؛ و (أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مِمَّا فِي الْأَرْضِ...) (حج: ۶۵)؛ آیا ندیدید

خداوند آنچه را در زمین است مسخر شما ساخت. اما این تسخیر به معنای تعلق آن به انسان‌ها نیست و خداوند به روشنی در مورد انفال^۱ می‌فرماید: (يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفَالِ قُلِ الْأَنْفَالُ لِلَّهِ وَالرَّسُولِ فَأَتَقُوا اللَّهَ وَأَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ) (انفال: ۱)؛ از تو درباره انفال سؤال می‌کنند، بگو که انفال مخصوص خدا و پیامبر است، پس از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید و میان برادرانی را که باهم ستیزه دارند، آشتی دهید و اطاعت خدا و پیامبر را کنید اگر ایمان دارید. بنابراین مواهب خدادادی متعلق به یکتای خالق و در دست انسان‌ها امانت هستند، پس نمی‌توان با متعلق به خود دانستن محیط زیست به تخریب آن اقدام کرد.

به دیگر سخن: «تأکید بر جانشینی انسان نسبت به خداوند از یک‌سو و آزادی انسان از سوی دیگر، سبب شده است تا این حق در متون دینی برای انسان به رسمیت شناخته شود، اما پیوسته به وی هشدار نیز داده شده است که چون مالک حقیقی زمین و منابع آن، خداوند است، تمامی انسان‌ها بدون هیچ تبعیضی حق دارند از این منابع به‌منظور توسعه و رفاه زندگی مادی خود استفاده کنند؛ همچنین چون بهره‌وری انسان می‌بایست در راستای اهداف الهی از خلقت زمین و منابع آن باشد، دایره این بهره‌وری محدود بوده، نمی‌بایست به گونه‌ای باشد که منجر به نابودی یا تخریب آنها شود» (نظری توکلی، ۱۳۹۱: ۷۹). به همین دلیل است که قرآن کریم انسان را به تفکر در مورد محیط زیست بشارت می‌دهد: (الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَٰذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ) (آل عمران: ۱۹۱)؛ آنان که خدا را یاد می‌کنند، در حال ایستاده و نشسته و خفتن دائم اندیشه می‌کنند در آفرینش آسمان‌ها و زمین و گویند پروردگارا این دستگاه با عظمت را بیهوده نیافریده‌ای، پاک و منزهی ما را به لطف خود از عذاب دوزخ نگهدار؛ (قُلْ أَنْظُرُوا مَاذَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا تُغْنِي التَّيَّاتُ وَالْأَنْدُرُ عَنْ قَوْمٍ

۱. انفال در لغت به معنای بخشش و غنیمت است (نراقی، ۱۴۰۵، ج ۱۰: ۱۳۹) و در معنای فقهی و اصطلاحی عبارت است از مالی که به رسول خدا (ص) و امامان (ع) اختصاص یافته است و در زمان غیبت بر مبنای ادله ولایت فقیه، انفال از باب نیابت امام در اختیار ولی فقیه و حکومت اسلامی است (فهمی و عرب‌زاده، ۱۳۹۱: ۱۹۷).

لَا يُؤْمِنُونَ (یونس: ۱۰۱)؛ «ای رسول ما به امت» بگو در آسمان‌ها و زمین به چشم عقل نظر کنید و بنگرید تا چه بسیار آیات حق و دلایل توحید را مشاهده می‌کنید، گرچه هرگز مردمی را که به دیده عقل و ایمان ننگرند، دلایل و آیات الهی بی‌نیاز نخواهد کرد؛ (وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ بِإِذْنِ اللَّهِ وَإِذَا مَلَآءُوا الْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ بِإِذْنِ اللَّهِ وَإِذَا مَلَآءُوا الْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ بِإِذْنِ اللَّهِ) (هود: ۶۱)؛ و باز صالح پیامبر را به سوی قوم ثمود به رسالت فرستادیم، صالح به قوم خود گفت ای مردم خدای یگانه را که جز او خدایی نیست، بپرستید او خدایی است که شما را از خاک بیافرید و برای عمارت و آباد کردن زمین برگماشت، پس شما از خدای خود آمرزش طلبید و به درگاه او پناه برید و از لغزش و گناهان توبه کنید که البته خدا به همه نزدیک است و دعای خلق را اجابت می‌کند؛ تا از رهگذر این تفکر، اعتقاد بر مخلوقات خداوند شکل گیرد و از تخریب محیط زیست پرهیز شود.

اعتقاد به فواید طبیعت برای انسان

محیط زیست بسیار برای انسان سودمند است. هوای پاک، آب آشامیدنی سالم، تغذیه مناسب و... مقدمه یک زندگی سالم هستند. بنابراین به دلیل پیوستگی اکوسیستم، چنانچه بخشی از آن مورد تعرض قرار گیرد، دیگر بخش‌ها نیز دچار اختلال خواهند شد. به همین علت اعتقاد به مفید بودن طبیعت برای انسان، می‌تواند نقشی ارزنده در راه پیشگیری از آسیب‌های زیست‌محیطی داشته باشد. در واقع «پدیده‌های طبیعی آیات الهی هستند و در رابطه با خداوند دارای معنا و هدف می‌باشد و علاوه بر منشأ الهی، آینه صفات خداست که می‌تواند از طریق اصلاح نگرش معرفتی و رفتار اخلاقی و تربیتی بشر، راهگشای حل معضلات زیست‌محیطی امروز باشد» (فغفور مغربی، ۱۳۹۰: ۱۶۰). خداوند متعال در آیات بسیاری از قرآن کریم به مفید بودن طبیعت برای انسان اشاره کرده‌اند؛ از جمله می‌فرماید: (وَلَقَدْ مَكَّنَّاكُمْ فِي الْأَرْضِ وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ) (اعراف: ۱۰)؛ شما را از امکانات زمین بهره‌مند ساختیم و وسائل معیشت شما را در آن فراهم کردیم.

همچنین خداوند عزوجل در مورد گیاهان و درختان نیز می‌فرماید: (أَوَلَمْ يَرَوْا إِلَى

وَالْأَرْضِ كَمْ أَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ (شعراء: ۷)؛ آیا به این زمین نگاه نکردند که در آن ما چه انواع گوناگون از نباتات پر سود از آن برویاندیم؛ (هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لَكُمْ مِنْهُ شَرَابٌ وَمِنْهُ شَجَرٌ فِيهِ تُسِيمُونَ) (نحل: ۱۰)؛ او کسی است که از آسمان، آبی نازل کرده که نوشیدنی شما است و از آن آب درخت‌ها (و گیاهانی) است که حیوانات خود را در آن می‌چرانید؛ و در آیه بعد همین سوره می‌فرماید: (يُنَبِّتُ لَكُمْ بِهِ الزَّرْعَ وَالزَّيْتُونَ وَالنَّخِيلَ وَالْأَعْنَابَ وَمِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ) (نحل: ۱۱)؛ با آن (آب) برای شما کشت و زیتون و نخل و انگور و همه گونه میوه‌ها رویاند که در این، برای گروهی که اندیشه کنند، عبرت‌ها است. در سوره نمل نیز می‌فرماید: (وَالْأَرْضِ وَأَنْزَلَ لَكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنْبَتْنَا بِهِ حَدَائِقَ ذَاتَ بَهْجَةٍ) (نمل: ۶۰)؛ برای شما از آسمان آب فرستاد، پس با آن آب، بوستان‌هایی شادی‌انگیز رویاندیم؛ (الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ مَهْدًا وَسَلَكَ لَكُمْ فِيهَا سُبُلًا وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِّنْ نَّبَاتٍ شَتَّىٰ) (طه: ۵۳)؛ همان خدایی که زمین را آسایشگاه شما قرار داد و در آن راه‌ها برای روابط و سفر و حوائج خلق پدید آورد و از آسمان آب نازل کرد تا به آن آب آسمانی انواع نباتات مختلف را از زمین برویاندیم؛ (وَمِنَ ثَمَرَاتِ النَّخِيلِ وَالْأَعْنَابِ تَتَّخِذُونَ مِنْهُ سَكَرًا وَرِزْقًا حَسَنًا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ) (نحل: ۶۷)؛ از میوه نخل‌ها و تاک‌ها به شما داده‌ایم که از آن سکر (خمر) و روزی نیکو گیرید که در این برای گروهی که خردورزی کنند عبرت‌هاست.

فواید حیوانات برای انسان نیز در قرآن کریم مورد توجه قرار گرفته است: (وَاللَّائِمَاتِمْ خَلَقَ لَكُمْ فِيهَا دِفْءٌ وَمَنَافِعُ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ) (نحل: ۵)؛ و حیوانات را نیز آفریده که در آنها وسیله پوشش و منفعت دارید و از آنها می‌خورید؛ (خَلَقَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرْوَاهَا وَالْقَسَىٰ فِي الْأَرْضِ رَوَاسِيًا أَنْ تَمِيدَ بِكُمْ وَبَثَّ فِيهَا مِن كُلِّ دَابَّةٍ وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ) (لقمان: ۱۰)؛ آسمان‌ها را بدون ستونی که شما ببینید، بیافرید، و در زمین لنگرها انداخت، تا که شما را نلرزاند و در آن از همه گونه جانوران پراکنده کرد، و از آسمان آبی نازل کردیم، و در آن همه گونه گیاه خوب رویاندیم؛ (وَأَوْحَىٰ رَبُّكَ إِلَى النَّحْلِ أَنْ اتَّخِذِي مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا وَمِنَ الشَّجَرِ وَمِمَّا يَعْرِشُونَ * ثُمَّ كَلَّمِي مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ فَاسْلُكِي سُبُلَ

رَبِّكَ ذُلًّا يُخْرُجُ مِنْ بُطُونِهَا شَرَابٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ فِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَنَآيَةً لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ) (نحل: ۶۸ - ۶۹)؛ و خدا به زنبور عسل وحی کرد که از کوه‌ها و درختان و سقف‌های رفیع منزل گیرید، سپس از میوه‌های شیرین تغذیه کنید و راه پروردگارتان را به اطاعت پویید، آنگاه از درون آنها شربت‌های شیرین به رنگ‌های مختلف بیرون آید که شفای مردمان است، در این کار نیز آیت قدرت خدا برای متفکران پدیدار است.^۱

خداوند متعال همچنین از آب به‌عنوان یکی از عناصر اصلی حیات یاد کرده است: (أَوَلَمْ يَرِ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيًّا أَفَلَا يُؤْمِنُونَ) (انبیاء: ۳۰)؛ آیا کافران ندیدند که آسمان‌ها و زمین بسته بود، ما آنها را بشکافتیم و از آب هر چیزی را زنده گرداندیم چرا باز به خدا ایمان نمی‌آورند؛ (وَمَا أَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَاءٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَبَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَتَصْرِيفِ الرِّيَّاحِ وَالسَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ) (بقره: ۱۶۴)؛ و آبی که خداوند از آسمان فرود فرستد تا بدان زمین را پس از مرگش زنده سازد و در آن از هر جنبنده‌ای بپراکند و در گردش با‌دها و ابری که میان آسمان و زمین مسخر است، همانا آیت‌هایی است برای قومی که خرد یابند؛ (وَهُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ نَبَاتَ كُلِّ شَيْءٍ) (انعام: ۹۹)؛ و اوست آن که از آسمان آبی فرستاد تا برون آوردیم با آن هر گونه رویدنی را. بدین ترتیب آب به‌عنوان عنصر مهمی از طبیعت مورد توجه اسلام قرار گرفته است؛ چرا که در حقیقت حیات انسان و تمام موجودات به آن بستگی دارد و سبب سرسبزی و پدید آمدن مناظر زیبا و خرم است (تقی‌زاده انصاری، ۱۳۷۴: ۳۸).^۲

۱. در روایات اسلامی نیز حیوانات دارای برخی از حقوق شناخته‌شده‌اند که از جمله می‌توان به: دادن آب و غذا به حیوان، نزدن ضربه به صورت حیوان (چرا که حیوان تسبیح پروردگارش را می‌گوید)، عدم راه بردن و تحمیل بار بیش از توان حیوان، عدم داغ گذاشتن بر صورت حیوان، عدم لعن کردن حیوان، عدم سوزاندن حیوانات (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۱: ۲۰۱ - ۲۰۴)، منع به جنگ واداشتن حیوانات (احمدبن محمد، ۱۳۷۱)، منع کندن پر پرندگان و شکار آنها (العاملی، ۱۴۲۵، ۱۵ - ۵۹)، منع شکار برای سرگرمی (حر عاملی، ۱۳۸۹، ج ۵: ۵۱۱) اشاره کرد. امام علی (ع) نیز در خطبه ۱۶۷ نهج‌البلاغه می‌فرماید: (اَتَّقُوا اللَّهَ فِي عِبَادِهِ وَ بِلَادِهِ فَإِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ حَتَّىٰ عَنِ الْبِقَاعِ وَ الْبُهَائِمِ) تقوای الهی را درباره‌یندگان خدا و شهرهای او رعایت کنید، زیرا حتی در برابر اماکن و حیوانات هم مسئول خواهید بود (نهج‌البلاغه، ۱۳۷۹: ۳۲۰).

۲. در دعای نوزدهم صحیفه سجادیه (طلب باران) نیز در فواید آب باران آمده است: (اللَّهُمَّ اسْقِنَا الْغَيْثَ، وَ انْشُرْ عَلَيْنَا

آموزه‌های اخلاقی پیشگیرانه

توصیه‌های اخلاقی در قرآن گستردگی خاصی دارند و به همه ابعاد زندگی اعم از فردی و اجتماعی مربوط می‌شوند. همه این دستورها که به تنظیم رفتارهای انسان در حوزه‌های فردی و اجتماعی بازمی‌گردند، افزون بر اینکه موجب ارتقای معنویت و کمال فردی می‌شوند، از نظر اجتماعی نیز آثار بازدارنده دارند و از وقوع جرم، انحراف و کجروی پیشگیری می‌کنند. با این حال در این قسمت تنها به نقش «توصیه به خویشنداری و کنترل درونی» به عنوان راهکاری برای پیشگیری از جرایم زیست‌محیطی اشاره می‌شود. عمومی‌ترین توصیه اخلاقی پیشگیرانه قرآن، توصیه به کنترل خود در برابر انگیزه‌ها و دعوت‌هایی است که انسان را به سوی انحراف و کجروی از هنجارهای مورد تأکید دین فرا می‌خواند.^۱ این توصیه که به صورت مکرر به آن امر شده، به گونه‌ای که هیچ دستوری به گستردگی آن در قرآن کریم وجود ندارد، یک ویژگی اخلاقی درونی است که در انسان احساس مسئولیت نسبت به رفتار خود ایجاد و او را به تأمل و تفکر قبل از عمل، مراقبت

رَحْمَتِكَ بِغَيْثِكَ الْمُعْدِقِ مِنَ السَّحَابِ الْمُنْسَقِ لِنَبَاتِ أَرْضِكَ الْمُتَوَقِّعِ فِي جَمِيعِ الْأَفَاقِ. وَآمِنُ عَلَى عِبَادِكَ بَيْنَاعِ الثَّمَرَةِ، وَ أَحْيِ بِلَادَكَ بِبُلُوغِ الزَّهْرَةِ، وَ أَشْهَدْ مَلَائِكَتَكَ الْكَرَامَ السَّفَرَةَ بِسَفْيِ مِنْكَ نَافِعٍ، دَائِمِ غَزْرُهُ، وَاسِعِ دَرُّهُ، وَابِلِ سَرِيعِ عَاجِلٍ. تَخْبِي بِهِ مَا قَدْ مَاتَ، وَ تَرُدُّ بِهِ مَا قَدْ فَاتَ وَ تَخْرُجُ بِهِ مَا هُوَ آتٍ، وَ تُوسِعُ بِهِ فِي الْأَقْوَاتِ، سَحَابًا مُتْرَاكِمًا هَنِيئًا مَرِينًا طَبَقًا مُجَلْجَلًا، غَيْرَ مُلْتٍ وَدَفُءٍ، وَ لَا خَلْبٍ بَرْقَةٍ. اللَّهُمَّ اسْقِنَا عَيْنًا مُعِينًا مَرِيحًا مُرَعًا عَرِيضًا وَاسِعًا غَزِيرًا، تَرُدُّ بِهِ النَّهِيضَ، وَ تَجْبِرُ بِهِ الْمَهِيضَ. اللَّهُمَّ اسْقِنَا سَقِيًّا تَسِيلُ مِنْهُ الظَّرَابَ، وَ تَمَلُّا مِنْهُ الْجِبَابَ، وَ تُفَجِّرُ بِهِ الْأَنْهَارَ، وَ تُنْبِتُ بِهِ الْأَشْجَارَ، وَ تُرَخِّصُ بِهِ الْأَسْعَارَ فِي جَمِيعِ الْأَمْصَارِ، وَ تُنْعَشُ بِهِ الْبُهَائِمَ وَ الْخَلْقَ، وَ تُكْمِلُ لَنَا بِهَ طَيِّبَاتِ الرِّزْقِ، وَ تُنْبِتُ لَنَا بِهَ الزَّرْعَ وَ تُدْرِئُ بِهَ الصَّرْعَ وَ تَرِيدُنَا بِهَ قُوَّةً إِلَى قُوَّتِنَا. اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْ ظِلْمَهُ عَلَيْنَا سُمُومًا، وَ لَا تَجْعَلْ بَرْدَهُ عَلَيْنَا حُسُومًا، وَ لَا تَجْعَلْ صَوْبَهُ عَلَيْنَا رُجُومًا، وَ لَا تَجْعَلْ مَاءَهُ عَلَيْنَا أَجَاغًا. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ ارزُقْنَا مِنْ بَرَكَاتِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (صحيفة سجادية، ۱۳۸۶: ۱۶۲ - ۱۶۴).

۱. مهم‌ترین این دعوت‌ها که در برابر خداوند از انسان‌ها برای رسیدن به حیات واقعی است: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ) (انفال: ۲۴)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید اجابت کنید خدا و رسولش را زمانی که شما را می‌خوانند بدانچه زنده‌تان می‌سازد؛ دعوت شیطان (ابراهیم: ۲۲؛ لقمان: ۲۱)، دعوت نفس (یوسف: ۵۳؛ نجم: ۳؛ قصص: ۵۰)، دعوت دنیا (لقمان: ۳۳؛ نازعات: ۳۸؛ اعلی: ۱۶) و دعوت دوستان منحرف (فرقان: ۲۸؛ زخرف: ۶۷) است.

حین عمل و ارزیابی بعد از عمل الزام می‌کند. قرآن به منظور ایجاد چنین حالتی در انسان از سازوکارهای تشویقی و تنبیهی فراوانی استفاده می‌کند. از دیدگاه قرآن تنها راه، سعادت انسان در آخرت (وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ) (اعراف: ۱۲۸؛ زحرف: ۳۵) و همچنین برخورداری از نعمت‌ها و امدادهای الهی در حیات دنیا است: (وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ ءَامَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ) (اعراف: ۹۶)؛ اگر مردم قریه‌ها ایمان آورده و پرهیزکاری کرده بودند برکت‌هایی از آسمان و زمین به روی ایشان می‌گشودیم، ولی تکذیب کردند و ما نیز ایشان را به اعمالی که می‌کردند مؤاخذه کردیم. متصف شدن به این حالت درونی است که در فرهنگ قرآن از آن به «تقوا» یاد می‌شود.

تقوا عمیق‌ترین و ماندگارترین حالت کنترل درونی است که با زیرساخت‌های دینی و اعتقادی در انسان به وجود می‌آید و نقش آن در پیشگیری از جرم نسبت به حالت‌های خودکنترلی که در برخی نظریه‌های جرم‌شناختی به آن اشاره شده، به مراتب قوی‌تر و تأثیرگذارتر است. چه اینکه خودکنترلی در نظریه‌های جرم‌شناختی عمدتاً در ارتباط با مفاهیمی همچون نوع دوستی، رعایت حقوق دیگران، برخورداری از احترام اجتماعی و مانند آن به وجود می‌آید و آثار مادی یا معنوی شخصی آن، مانند احساس رضایت و آرامش درونی مورد نظر است؛ در حالی که تقوا در اعتقادات و انگیزه‌های عمیق دینی ریشه دارد و آثار معنوی و ماندگار آن موجب پابندی هر چه بیشتر به آن می‌شود. استاد شهید مطهری سازوکار تأثیر دینداری و ایمان مذهبی بر تقلیل کجروی را این‌گونه توضیح می‌دهد: «به هر اندازه که ایمان مذهبی انسان بیشتر باشد، بیشتر به یاد خداوند است و به هر اندازه که انسان به یاد خداوند باشد، کمتر معصیت می‌کند. معصیت کردن و نکردن دایرمدار علم و آگاهی نیست، بلکه دایرمدار غفلت و تذکر است؛ به هر اندازه که انسان غافل باشد، یعنی خداوند را فراموش کرده باشد، بیشتر معصیت می‌کند و به هر اندازه که خداوند بیشتر به یادش بیاید، کمتر معصیت می‌کند» (مطهری، ۱۳۶۴: ۸۵ - ۸۸).

پیشگیری جامعه‌محور

با توجه به نقش جامعه در شکل دادن شخصیت افراد و کنترل رفتار آنها که موضوع

مطالعات گسترده‌ای در علوم مختلف از جمله جامعه‌شناسی، روانشناسی اجتماعی، اقتصاد، سیاست و در نهایت جامعه‌شناسی جنایی قرار گرفته، جرم‌شناسان معتقدند جامعه نقش مهمی در رفتارهای مجرمانه انسان دارد، به گونه‌ای که بیشتر نظریه‌های جرم‌شناختی معاصر به تبیین چگونگی این تأثیرگذاری پرداخته‌اند. به همین دلیل نظریه‌پردازان پیشگیری، پیشگیری اولی را عمدتاً به طرح‌ها و برنامه‌هایی که به بهسازی محیط اجتماعی و طراحی و تنظیم هر چه بهتر آن مربوط می‌شود، مرتبط می‌دانند. این برنامه‌ها باید به گونه‌ای باشند که از پدید آمدن زمینه‌های انحراف و کجروی جلوگیری کنند و افراد جامعه بتوانند با احساس آرامش و امنیت و بدون توسل به راه‌های نامشروع، به خواسته‌های خود برسند و در عین حال از سوءاستفاده صاحبان قدرت، فرصت و ثروت برای رسیدن به خواسته‌های نامشروع جلوگیری شود (خسروشاهی، ۱۳۹۳: ۶۸ - ۷۶). با توجه به اهمیت این نوع اقدامات در پیشگیری از جرم، در آموزه‌های قرآنی نیز دستورالعمل‌هایی برای بهسازی محیط اجتماعی و تنظیم مناسبات اجتماعی سالم و سازنده برای پیشگیری از جرایم زیست‌محیطی ارائه شده است که مهم‌ترین آنها آموزه‌های اقتصادی (۱) و آموزه‌های اجتماعی (۲) هستند.

آموزه‌های اقتصادی

در خصوص تأثیر اقتصاد بر جرم باید بیان کرد که مطالعه و بررسی رابطه جرم و انحراف با وضعیت اقتصادی افراد همواره مورد توجه جرم‌شناسان بوده است (گسن، ۱۳۸۵: ۱۰۸) و نتایج نه چندان روشن و هماهنگی را نیز به دنبال داشته است (ولد و دیگران، ۱۳۸۰: ۱۷۱). بدیهی است که اقتصاد به‌طور فزاینده‌ای بر وقوع برخی از جرایم زیست‌محیطی تأثیر می‌گذارد. برای مثال در برخی کشورهای آفریقایی، به دلیل نبود امکانات شغلی مناسب، مردمی که در مجاورت دریا ساکن هستند به شغل ماهیگیری و حتی صید غیرمجاز روی آورده‌اند. بدیهی است که حجم بالای صیادان آسیب‌جدي به محیط زیست دریایی (چه از منظر آلودگی‌ها و چه از منظر صید بیش از حد ماهیان) وارد می‌کند.^۱

۱. هر چند در فرهنگ دینی یکی از بارزترین مصداق‌های عمل صالح، کار و تلاش برای کسب درآمد به‌منظور تأمین معاش خود و کمک به نیازمندان دانسته و ارزش آن در حد جهاد در راه خدا محسوب شده است (تمیمی مغربی،

اما هر چند تصور نخست بر این بود که میزان جرم و بزهکاری در میان طبقات فقیر و محروم جامعه بیشتر از طبقات مرفه است و نیز جوامع پیشرفته و توسعه‌یافته با میزان کمتری از جرم و بزهکاری روبه‌رو هستند (فرجاد، ۱۳۸۳: ۱۱۵) اما مطالعه بیشتر و به‌ویژه توجه به جرایم یقه‌سفیدها^۱ از سوی ادوین ساترلند^۲ نشان داد که جرم و بزهکاری در جوامع توسعه‌یافته و در میان طبقات مرفه و موجه اجتماعی نیز با انواع روش‌ها و شیوه‌های سازمان‌یافته‌تری به صورت گسترده وجود دارد و نباید بزهکاری را فقط در میان طبقات محروم جامعه جست‌وجو کرد. به همین دلیل است که امروزه برخی به محیط زیست به‌عنوان کالای پرسودی می‌نگرند و با آرزوی طمع جهت رسیدن به ثروت به نابودی آن اهتمام ورزیده‌اند. از این‌روست که مهم‌ترین جرایم زیست‌محیطی عصر حاضر را سه دسته دولت‌ها، اشخاص حقوقی و گروه‌های مجرمانه سازمان‌یافته انجام می‌دهند (گرجی‌فرد، ۱۳۹۲: ۱)؛ جرایمی چون قاچاق چوب و گونه‌های نادر گیاهی و جانوری که منفعت فراوانی برای بزهکاران آنها به‌دنبال دارد. اما پرسشی که در پس این سخن پیش می‌آید، آن است که قرآن کریم چه آموزه‌های اقتصادی را برای پیشگیری از جرایم زیست‌محیطی مطرح کرده است. در پاسخ باید بیان کرد که از مهم‌ترین آموزه‌های اقتصادی که در قرآن کریم برای پیشگیری از جرایم زیست‌محیطی وضع شده‌اند، می‌توان به منع اسراف و فساد در زمین و احیای آن از طریق آبادانی اشاره کرد.

در خصوص منع اسراف و فساد در نعمت‌های خداوندی که امری ممنوع و ناپسند است (محمدزاده رهنی، ۱۳۸۹: ۱۸۵) آیات بسیاری وجود دارد؛ از جمله خداوند متعال در خصوص منع اسراف می‌فرماید: (وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا) (اعراف: ۳۱)؛ بخورید و بیاشامید اما اسراف نکنید؛ (إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ كَذَّابٌ) (غافر: ۲۸)؛ به‌درستی که خدا کسی را که اسراف‌گر و دروغگو باشد، نمی‌آمزد؛ (وَأَنَّ الْمُسْرِفِينَ هُمْ أَصْحَابُ النَّارِ)

۱۴۱۱، ج ۲: ۱۴ - ۱۵) اما اگر فرد به آگاهی لازم در خصوص ودیعه بودن محیط زیست برسد، می‌تواند استفاده بهینه و نه همراه با افراط از آن بکند.

1. White Collar Crimes.
2. Edwin H. Sutherland.

(غافر: ۴۳)؛ مسلماً اسرافکاران اهل آتش دوزخ هستند؛ (إِنَّ الْمُبَدِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ) (اسراء: ۲۷)؛ اسرافکاران برادران شیطانند.

خداوند متعال در خصوص منع فساد نیز در آیات ۵۶ و ۸۵ سوره اعراف می‌فرماید: (وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا...)^۱؛ و در زمین پس از اصلاح آن فساد نکنید...؛ (وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ) (بقره: ۲۰۵)؛ هنگامی که روی بر می‌گرداند (و از نزد تو خارج می‌شوند) در راه فساد در زمین، کوشش می‌کنند و زراعت‌ها و چهارپایان را نابود می‌سازند، (با اینکه می‌دانند) خدا فساد را دوست نمی‌دارد؛ (وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَتُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ) (بقره: ۳۰)؛ و چون پروردگارت به فرشتگان گفت: من در زمین خلیفه‌ای می‌آفرینم، گفتند: آیا کسی را می‌آفرینی که در آنجا فساد کند و خون‌ها بریزد و حال آنکه ما به ستایش تو تسبیح می‌گوییم و تو را تقدیس می‌کنیم؟ گفت: من آن دانم که شما نمی‌دانید. بنابراین بدون شک، تخریب، نابودی و آلوده‌سازی محیط زیست یکی از مصادیق مهم رفتارهای فسادانگیز در زمین است (فیروزی، ۱۳۸۴: ۷۴)^۲. قرآن کریم در مقابل منع اسراف و فساد

۱. فساد مذکور در این آیه چون عام است فسادهای زیست‌محیطی را نیز دربر می‌گیرد (طباطبایی، ۱۳۶۰: ۵۶).

۲. از دیگر آموزه‌های اقتصادی قرآن می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

منع از ذخیره کردن مال: (وَالَّذِينَ يَكْتُمُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يُنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ) (توبه: ۳۴)؛ و کسانی که طلا و نقره گنجینه می‌کنند و آن را در راه خدا انفاق نمی‌کنند، به عذاب دردناکی بشارتشان ده. نهی کردن از بخل: (وَلَا يَحْسِبَنَّ الَّذِينَ يَبْخُلُونَ بِمَا أَنَا لَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ هُوَ خَيْرًا لَّهُمْ بَلْ هُوَ شَرٌّ لَّهُمْ سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخُلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَاللَّهُ مِيرَاتُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ) (آل‌عمران: ۱۸۰)؛ آنان که بخل نموده و حقوق فقیران را از مالی که خدا به فضل خویش به آنها داده ادا نمی‌کنند، گمان نکنند که این بخل به منفعت آنها خواهد بود، بلکه به ضرر آنها است چه آنکه آن مالی که در آن بخل ورزیده‌اند، در روز قیامت زنجیر کردن آنها شود (که آن روز هیچ‌کس مالک چیزی نیست) و تنها خدا وارث آسمان‌ها و زمین خواهد بود و خدا به کردار شما آگاه است؛ حرص، آز، کسب درآمدهای نامشروع مانند ربا: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا أَضْعَافًا مُضَاعَفَةً وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ) (آل‌عمران: ۱۳۰)، ای کسانی که به دین اسلام گرویده‌اید، ربا مخورید که دائم سود بر سرمایه افزایش دهد تا چند برابر شود و از خدا بترسید و این عمل زشت را ترک

در زمین، به آبادانی آن نیز توجه داشته و این وظیفه مهم را بر عهده انسان‌ها (که خلیفه خداوند در روی زمین هستند) گذاشته است: (هُوَ أَنشَأَكُم مِّنَ الْأَرْضِ وَأَسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا... (هود: ۶۱)؛ خداوند شما را از زمین پدید آورد و از شما خواست آن را آباد کنید.

آموزه‌های اجتماعی

آموزه‌های اجتماعی در پیشگیری از جرایم زیست‌محیطی از منظر قرآن را می‌توان در رویکرد منع تبعیض در استفاده از محیط زیست نظاره‌گر بود. توضیح آنکه یکی از مهم‌ترین ابعاد عدالت اجتماعی، برقراری مساوات و نفی هر گونه تبعیض در برابر قانون و در حقوق و تکالیف اجتماعی است.^۱ از دیدگاه انسان‌شناختی برابری انسان‌ها و لزوم عدالت‌ورزی در میان ایشان بر اصل برابری ذاتی آنان مبتنی است. از دیدگاه قرآن همه انسان‌ها از نظر نژاد و اصل خلقت یکسان هستند و از یک ماده اولیه: (وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِن سُلَالَةٍ مِّن طِينٍ) (مؤمنون: ۱۲؛ فاطر: ۱۱؛ مرسلات: ۲۰؛ نساء: ۱) و یک پدر و مادر آفریده شده‌اند: (يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِّن ذَكَرٍ وَأُنثَى) (حجرات: ۱۳). بر اساس این واقعیت، همه انسان‌ها در اصل انسانیت و آثار و لوازم آن با یکدیگر برابرند و کرامت ذاتی

کنید، باشد که سعادت و رستگاری یابید؛ اکل مال به باطل: (وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ وَتُدْأُوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِيَأْكُلُوا فَرِيقًا مِّنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ) (بقره: ۱۸۸): و اموال خود را در بین خود به باطل مخورید و برای خوردن مال مردم قسمتی از آن را به طرف حکام به رشوه و گناه سرازیر نمایید با اینکه می‌دانید این عمل حرام است؛ خوردن مال یتیم: (إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَى ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَسَيَصْلَوْنَ سَعِيرًا) (نساء: ۱۰)؛ کسانی که اموال یتیمان را به ظلم و ستم می‌خورند، (در حقیقت)، تنها آتش می‌خورند؛ و به‌زودی در شعله‌های آتش (دوزخ) می‌سوزند؛ و سرقت: (وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا جِزَاءً بِمَا كَسَبَا نَكَالًا مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ) (مائده: ۳۸)؛ دست مرد دزد و زن دزد را، به کیفر عملی که انجام داده‌اند، به‌عنوان یک مجازات الهی، قطع کنید! و خداوند توانا و حکیم است.

۱. تبعیض و نابرابری نه تنها از نظر اقتصادی موجب پدید آمدن فاصله طبقاتی و محروم ماندن برخی اقشار و گروه‌های اجتماعی از فرصت‌ها و درآمدهای مالی است، بلکه موجب از میان رفتن استعدادها و توانایی‌های بخش عمده‌ای از افراد جامعه و در حاشیه قرار گرفتن آنها می‌شود و این وضعیت می‌تواند به رفتارهای پرتنش و بحران‌زا در جامعه بینجامد و روابط اجتماعی را متزلزل و آسیب‌پذیر کند.

یکسانی دارند^۱. قرآن کریم با نفی هر گونه تبعیض و نابرابری ظالمانه، اصل مساوات را یکی از اصول اجتماعی اسلام اعلام و احکام فردی و اجتماعی خود را بر اساس این اصل تنظیم کرده است. اقامه قسط و عدل، مهم‌ترین هدف اجتماعی انبیای الهی معرفی شده است: (لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ) (حدید: ۲۵)؛ ما رسولان خود را همراه با معجزات روشن گسیل داشتیم و با ایشان کتاب و میزان نازل کردیم تا مردم را به عدالت خوی دهند؛ و برای تحقق این هدف والا که زمینه همه پیشرفت‌های اجتماعی دیگر را فراهم می‌کند، دو سازوکار به کار گرفته شده است: یکی وضع قانون‌های عادلانه و مبتنی بر مساوات و برابری انسان‌ها و دیگری، نصب حاکمانی که هم خود عادل باشند و هم به عدل و داد در میان مردم حکومت کنند.

در خصوص سازوکار نخست باید بیان داشت که قرآن کریم محیط زیست را که از مواهب خداوندی است، متعلق به همه افراد دانسته و در دادن آن به انسان‌ها تبعیضی قائل نشده است. به دیگر سخن، استفاده بشر از امکانات و مواهب خدادادی یکی از جلوه‌های مهم برابری اجتماعی است. محیط زیست به هیچ وجه ملک شخصی اشخاص محسوب نمی‌شود و بنابراین تمامی افراد حق دارند از آن استفاده کنند. متعلق به خود دانستن محیط زیست سبب می‌شود که انسان هرگونه رفتار مخرب علیه آن را روا دانسته و آسیب‌های جبران‌ناپذیری بر آن وارد کند. برای مثال در آموزه‌های دینی با اینکه انسان می‌تواند مالک حیوانات باشد، اما در روایات اسلامی حیوانات دارای حقوقی لازم‌الاجراء هستند که چنانچه رعایت نشوند، عواقب سختی در پی خواهد داشت (جاهد، ۱۳۹۲: ۱۶۹).

از این رو در قرآن کریم علاوه بر آیاتی که محیط زیست را ملک خداوند می‌داند: (الْمُ

۱. البته انسان‌ها می‌توانند بر اساس تلاش و کوشش و رفتار اختیاری خود به کرامت‌های اکتسابی متفاوتی مانند ایمان، علم و رشد معنوی و اخلاقی برسند که این تفاوت‌ها لازمه اختیار انسان و تفاوتی منطقی و معقول است: (أَفَمَنْ كَانَ مُؤْمِنًا كَمَنْ كَانَ فَاسِقًا لَّا يَسْتَوُونَ) (سجده: ۱۸): آنکه مؤمن است با آنکه عصیان‌پیشه است چگونه همانند و یکسانند؛ (قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ) (زمر: ۹): بگو آنکه می‌دانند و آنکه نمی‌دانند، یکسانند ولی تنها کسانی متذکر می‌شوند که دارای خرد باشند.

تَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ (بقره: ۱۰۷)؛ آیا نمی‌دانی که خدا مالک آسمان‌ها و زمین است و شما را جز او یار و یاور نیست؛ آیاتی هستند که بر استفاده همگان از این محیط و برابری انسان‌ها در این استفاده تأکید می‌کنند. از جمله آیه ۱۰ سوره الرحمن که می‌فرماید: (وَالْأَرْضَ وَضَعَهَا لِلْأَنَامِ)؛ و (خداوند) زمین را برای همگان قرار داد؛ و آیه ۲۹ سوره بقره که می‌فرماید: (هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا...)؛ او خدایی است که همه موجودات زمین را برای شما خلق کرد. پس «از نظر قرآن مجید مالکیت حقیقی نسبت به جهان از آن خداوند است و بشر اگر ادعای مالکیت دارد اولاً مالکیت او اعتباری است نه حقیقی و ثانیاً به نیابت از خدا در جهان تصرف می‌کند (محقق داماد، ۱۳۹۰: ۱۸۰).

بنابراین چون از اساس محیط زیست متعلق به هیچ کس نیست و خداوند آن را برای همگان قرار داده است، کسی نمی‌تواند خود را مالک آن تلقی کند. این طرز فکر سبب خواهد شد که محیط زیست به‌عنوان یک منفعت جمعی در نظر گرفته شود و اشخاص به‌دلیل مشاعی بودن سهم نیابتی خویش، از دخل و تصرف در آن بپرهیزند. نظام حقوقی ایران در خصوص مؤلفه نخست در اصل پنجاهم قانون اساسی مقرر می‌دارد: «در جمهوری اسلامی، حفاظت محیط زیست که نسل امروز و نسل‌های بعد باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند، وظیفه عمومی تلقی می‌گردد. از این‌رو فعالیت‌های اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیر قابل جبران آن ملازمه پیدا کند، ممنوع است». در همین زمینه در حقوق محیط زیست مبحثی با عنوان عدالت زیست‌محیطی^۱ به‌وجود آمده است. عدالت زیست‌محیطی که در سه قالب عدالت درون نسلی^۲، درون گونه‌ها^۳ و بین گونه‌ها^۴ نمایان

1. Environmental Justice.

۲. توجه به عدالت میان نسل‌ها دارد، مانند نسل حاضر و تکلیف آن بر حفظ محیط زیستی که متعلق به نسل آینده هم هست.

۳. توجه به عدالت درون گونه‌های خاص دارد، مانند گونه‌های جانوری.

۴. توجه به عدالت میان گونه‌های متفاوت دارد، مانند گونه‌های گیاهی و جانوری.

می‌شود، عبارت است از «رفتار منصفانه و معنادار در ارتباط با تمامی افراد فارغ از نژاد، قوم، درآمد، خاستگاه ملی، یا سطح تحصیلات با توجه به توسعه، اجرا و انجام قوانین، مقررات و سیاست‌های زیست‌محیطی»^۱. عدالت زیست‌محیطی در پی آن است که اطمینان یابد سودهای منابع زیست‌محیطی و هزینه‌های وابسته به حفاظت آنها و هرگونه تخریبی که رخ می‌دهد (سودها و بار هزینه‌ها) به‌طور مساوی بین اعضای جامعه تقسیم می‌شود (کیس و همکاران، ۱۳۸۶، ج ۳: ۲۷).

عدالت زیست‌محیطی به وضوح در اسناد بین‌المللی مربوط به محیط زیست مورد تأکید قرار گرفته است. از جمله: ماده h (۱) ۵ پروتکل ۱۹۹۹ لندن در زمینه آب و بهداشت مربوط به کنوانسیون ۱۹۹۲ سازمان ملل در زمینه آبراهه‌های بین‌المللی بیان می‌کند: «دسترسی عادلانه به آب چه از نظر کمی و چه از نظر کیفی باید برای همه اعضای جمعیت فراهم باشد، به‌ویژه آنهایی که از وضع نامساعد یا محرومیت اجتماعی رنج می‌برند». همچنین اصل اول اعلامیه استکهلم مصوب ۱۹۷۲ بیان می‌دارد: «انسان حقوق بنیادی نسبت به آزادی، مساوات و شرایط مناسب و زندگی در محیطی که به او اجازه زندگی باوقار و سعادت‌مندانه را می‌دهد، دارد و مسئولیت حفظ و بهبود محیط زیست برای نسل حاضر و نسل‌های آینده را بر عهده دارد. از این جهت سیاست‌های مشوق یا تداوم‌دهنده آپارتاید، جدایی‌طلبی نژادی، تبعیض، استعمار و دیگر اشکال ظلم و تسلط خارجی محکوم می‌شوند و باید نابود گردند». همین‌طور می‌توان عدالت زیست‌محیطی را در اصل سوم اعلامیه ریو جست‌وجو کرد که مقرر می‌دارد: «حق توسعه باید مشروط بر این باشد که نیاز نسل کنونی و آینده، با توجه به توسعه و محیط زیست، به‌طور عادلانه رعایت شود».

در خصوص سازوکار دوم نیز باید بیان کرد که یکی دیگر از ابعاد مساوات و عدالت اجتماعی، عدالت در اجرای قانون از سوی زمامداران جامعه است. بی‌عدالتی زمامداران در حکومت و اجرای قانون نیز یکی دیگر از زمینه‌های پدید آمدن بحران‌ها و شورش‌های اجتماعی است که به نادیده گرفتن هنجارهای زیست‌محیطی و حرکت‌های انتقام‌جویانه

۱. <http://www.epa.gov/environmentaljustice/index.html> به نقل از: (گرچی فرد، ۱۳۹۲: ۴۸).

منجر می‌شود. حاکمان از دیدگاه قرآن مأمور اجرای عدالت هستند و عدالت‌ورزی علت مشروعیت حکومت آنان است: (وَأْمُرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمُ) (شوری: ۱۵)؛ و مأمور شده‌ام بین شما عدالت برقرار کنم، ((يَا دَاوُودُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَىٰ فَيُضِلَّكَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّ الَّذِينَ يَضِلُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا نَسُوا يَوْمَ الْحِسَابِ) (ص: ۲۶؛ نساء: ۱۳۵)؛ ای داوود ما تو را جانشین خود در زمین کردیم پس بین مردم به حق داوری کن و به دنبال هوای نفس مرو که از راه خدا به بیراهه می‌کشد و معلوم است کسانی که از راه خدا به بیراهه می‌روند، عذابی سخت دارند به جرم اینکه روز حساب را از یاد بردند.^۱ در این خصوص مقام معظم رهبری، نگاه ویژه‌ای به مسائل زیست‌محیطی دارند و همواره تأکید ایشان بر پیشگیری و برخورد با جرایم زیست‌محیطی بوده است. از جمله بیانات ایشان در رابطه با محیط زیست می‌توان به «محیط زیست، یک مسئله ملی»^۲، «مسائل و مشکلات زیست‌محیطی ایران»^۳، «نظر اسلام نسبت به محیط زیست»^۴، «تقویت و حفظ محیط زیست»^۵، «راهکارهای اصلی برای حل مشکلات محیط

۱. پابندی به عدالت در همه روابط اجتماعی حتی در ارتباط با دشمنان مورد تأکید قرآن کریم قرار گرفته است و خصومت و دشمنی نمی‌تواند موجب خروج از این اصل کلی بشود: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَىٰ ءَآلَا تَعْدِلُوا ءَعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ﴾ (مائده: ۸)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید در آنجا که هوای نفس و ادارتان می‌کند تا به انگیزه دشمنی به ناحق شهادت دهید به خاطر خدا قسط را به پا دارید و دشمنی با اشخاص و اقوام شما را به انحراف از حق نکشانند، عدالت کنید که آن به تقوا نزدیک‌تر است و از خدا بترسید که خدا از آنچه می‌کنید با خبر است. از سوی دیگر قرآن کریم ظلم را تنها عامل هلاکت امت‌ها و جوامع بشری دانسته و معتقد است بی‌عدالتی بنیان جامعه را متزلزل می‌کند و موجب نابودی آن می‌شود: ﴿وَتِلْكَ الْأَمْثَلُ لِمَا ظَلَمُوا وَجَعَلْنَا لِمَهْلِكِهِمْ مَوْعِدًا﴾ (کهف: ۵۹)؛ این دهکده‌ها هنگامی که ستم کردند هلاکشان کردیم و برای هلاک کردنشان موعدی گذاشتیم. بدین سان می‌توان این آموزه را در پیشگیری از جرایم زیست‌محیطی این گونه تفسیر کرد که عدالت اقتضا می‌کند که عداوت و دشمنی به هیچ روی مجوزی برای تخریب محیط زیست نیست.

۲. دیدار مسئولان و دست‌اندرکاران منابع طبیعی و حفظ محیط زیست ۱۳۹۳/۱۲/۱۷.

۳. دیدار مسئولان و دست‌اندرکاران منابع طبیعی و حفظ محیط زیست ۱۳۹۳/۱۲/۱۷.

۴. دیدار مسئولان و دست‌اندرکاران منابع طبیعی و حفظ محیط زیست ۱۳۹۳/۱۲/۱۷.

۵. کاشت نهال همزمان با هفته منابع طبیعی ۱۳۸۸/۱۲/۱۸؛ درختکاری در هفته منابع طبیعی ۱۳۹۰/۱۲/۱۵، آغاز

احداث بزرگ‌ترین بوستان شهری در هفته منابع طبیعی ۱۳۸۹/۱۲/۱۷.

زیستی کشور^۱ و «ابلاغ سیاست‌های کلی محیط زیست»^۲ اشاره کرد که مهم‌ترین محورهای آن ایجاد نظام یکپارچه ملی محیط زیست، مدیریت هماهنگ و نظام‌مند منابع حیاتی، جرم‌انگاری تخریب محیط زیست، تهیه اطلس زیست‌بوم کشور، دیپلماسی محیط زیست، گسترش اقتصاد سبز و نهادینه‌سازی فرهنگ و اخلاق زیست‌محیطی هستند.

نتیجه‌گیری

پیشگیری از جرایم زیست‌محیطی یکی از مباحثی است که قرآن کریم راهکارهای متفاوتی را برای آن ارائه داده است. کلام خداوند متعال در پرتو مدل پیشگیری اولیه که بر اساس آن هنوز شرایط بحرانی به وجود نیامده است، آموزه‌های ارزنده‌ای دارد که تمسک به آنها بسیار سودمند خواهند بود. مصحف شریف برای پیشگیری اولیه از جرایم زیست‌محیطی چندین آموزه را در قالب دو رویکرد فردمحور و جامعه‌محور ارائه می‌دهد. هدف رویکرد فردمحور، تأثیرگذاری بر شخصیت انسان است که او را از درون به هنجارمندی حفاظت از محیط زیست وادارد که در این خصوص آموزه‌های اعتقادات پیشگیرانه و اخلاقی را ارائه می‌دهد که مورد اول خود بر چهار آموزه اعتقاد به خداوند و آیه بودن مخلوقات زیست‌محیطی، اعتقاد به فواید طبیعت و اعتقاد به بهشت و دوزخ تقسیم می‌شود و مورد دوم نیز آموزه کنترل درونی را ارائه می‌دهد. اما خداوند تنها به هدایت انسان‌ها برای منع از تخریب محیط زیست بسنده نکرده و در کنار آن، آموزه‌های ارزشمندی را در قالب رویکرد جامعه‌محور ارائه داده است. رویکرد جامعه‌محور که هدفی اجتماعی و جمعی دارد، دو آموزه مهم اقتصادی و اجتماعی را مطرح می‌کند. در آموزه اقتصادی، خداوند متعال از یک سو به شدت فساد در زمین را نهی کرده و برای تخریب محیط زیست وعده کیفر داده و از دیگر سو به عمران و آبادانی محیط زیست توصیه اکید کرده است. اما در آموزه اجتماعی، بر منع تبعیض در عدالت زیست‌محیطی تأکید شده که بر اساس آن محیط زیست ودیعه‌ای

۱. دیدار مسئولان و دست‌اندرکاران منابع طبیعی و حفظ محیط زیست ۱۳۹۳/۱۲/۱۷.

۲. ۱۳۹۴/۸/۲۶.

خداوندی بوده که به همه افراد تعلق دارد و هیچ‌کس حق ندارد آن را از آن خود بپندارد و به تخریب آن مبادرت ورزد.

اما آنچه سبب فراگیری این آموزه‌ها توسط افراد می‌شود تا از رهگذر آن از وقوع جرایم زیست‌محیطی پیشگیری اولیه به عمل آید، به‌کارگیری رهیافت مدل پیشگیری اجتماعی است. در واقع این مدل که هدف آن تأثیرگذاری بر شخصیت افراد است، از دو شیوه پیشگیری اجتماعی رشد‌مدار و جامعه‌مدار تشکیل می‌شود. در پیشگیری اجتماعی رشد‌مدار، که هدف، مداخله در سنین مختلف رشد کودک است و از برنامه‌های خانواده‌مدار و مدرسه‌مدار شکل می‌گیرد، می‌توان اقداماتی همچون تعلیم والدین برای فراگیری آموزه‌های قرآنی به‌منظور آموختن حفاظت از محیط زیست به کودکان (خانواده‌مدار) و گنجانیدن متون درسی مرتبط با قرآن و محیط زیست در مقاطع مختلف تحصیلی (مدرسه‌مدار) اشاره کرد؛ حال آنکه در پیشگیری اجتماعی جامعه‌مدار، اقدامات به کل اعضای جامعه تعلق دارد؛ همچون آموزش حفاظت و مهربانی با محیط زیست از طریق رسانه‌های گروهی که نمونه بارز آن را می‌توان در اقدام اداره محیط زیست استان قم در طراحی برنامه‌ای تحت عنوان «قرآن و محیط زیست» در ماه مبارک رمضان سال ۱۳۹۵ نظاره‌گر بود که با پرسش‌های روزانه خود و اهدای جوایزی به شرکت‌کنندگان بخشی از زوایای مختلف حفاظت از محیط زیست در قرآن کریم را نمایان کرد.

کتابنامه

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه (۱۳۷۹). ترجمه محمد دشتی، قم: انتشارات فرایض.
- صحیفه سجادیه (۱۳۸۶). ترجمه احمد سپهر خراسانی، تهران: انتشارات اشرفی.
۱. احمد بن محمد بن خالد (۱۳۷۱). المحاسن، محقق جلال‌الدین محدث، قم: دارالکتب الاسلامیه.
۲. اسماعیلی، عباس و همکاران (۱۳۸۶)، حفاظت محیط زیست در اسلام، مجله دانشکده علوم پزشکی رفسنجان، دوره ششم.
۳. تقی‌زاده انصاری، مصطفی (۱۳۷۴). حقوق محیط زیست در ایران، تهران: سمت.
۴. التمیمی مغربی، قاضی ابی‌طیفه النعمان بین محمد (۱۴۱۱ ق). دعائم الاسلام، بیروت: دارالاضواء.
۵. جاهد، محسن (۱۳۹۲). اخلاق حیوانات: رویکردها و نظریه‌ها، فصلنامه اخلاق زیستی: شماره ۱۰.
۶. حر عاملی، محمد بن الحسن (۱۳۸۹ ق). وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
۷. حق‌شناس، محمد؛ ذاکری، سید محمد حسین (۱۳۸۷). جست‌وجوی مفاهیم اخلاق زیست‌محیطی در آموزه‌های اسلامی، فصلنامه اخلاق در علوم فناوری، سال سوم، شماره ۱ و ۲.
۸. خسروشاهی، قدرت‌الله (۱۳۹۳). مراحل سه‌گانه پیشگیری از جرم در آموزه‌های قرآنی، قم و مشهد: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
۹. خسروشاهی، قدرت‌الله؛ هاشمی، سارا سادات؛ نجفی اسکندری، علیرضا (۱۳۹۴). معنابخشی به زندگی و مؤلفه‌های تأثیرگذار آن در پیشگیری از جرم از منظر قرآن کریم، آموزه‌های قرآنی، شماره ۲۱.

۱۰. خسروشاهی، قدرت‌الله؛ دانش پژوه، مصطفی (بی‌تا). *فلسفه حقوق*، چ هشتم، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۱۱. رجیبی باقرآباد، مصطفی (۱۳۹۳). *قرآن، طبیعت و حقوق آن از دو منظر تفسیر فقهی شیعه و سنی*، فصلنامه اخلاق زیستی، سال چهارم، شماره ۱۲.
۱۲. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۶۰). *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۱۳. عابدی سروستانی، احمد؛ شاه‌ولی، منصور؛ محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۸۶). *ماهیت و دیدگاه‌های اخلاق زیست‌محیطی با تأکید بر دیدگاه اسلامی*، فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، سال دوم، شماره ۱ و ۲.
۱۴. عالی‌پور، حسن (۱۳۸۹). *ماهیت حقوقی تروریسم؛ مطالعه موردی رویداد غزه*، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال سیزدهم، شماره ۲.
۱۵. فرجاد، محمد حسین (۱۳۸۳). *آسیب‌شناسی و کجروی‌های اجتماعی*، تهران: قوه قضاییه.
۱۶. فهیمی، عزیزالله؛ عرب‌زاده، علی (۱۳۹۱). *مبانی فقهی حقوق محیط زیست*، پژوهشنامه حقوق اسلامی، سال سیزدهم، شماره ۱.
۱۷. فهیمی، عزیزالله؛ مشهدی، علی (۱۳۹۳). *اندیشه‌های حقوق محیط زیست*، قم: انتشارات دانشگاه قم.
۱۸. _____ (۱۳۹۴). *فقه و محیط زیست*، گفت‌وگو با رادیو معارف، به نشانی: www.radiomaaref.ir
۱۹. فهیمی، عزیزالله (۱۳۸۷). *فلسفه حقوق محیط زیست آثار آن، پژوهش‌های فلسفی - کلامی*، سال نهم، شماره ۳.
۲۰. فغفور مغربی، حمید (۱۳۹۰). *مبانی معرفت‌شناسانه اسلامی در محیط زیست*، فصلنامه اخلاق زیستی، سال اول، شماره دوم.
۲۱. فیروزی، مهدی (۱۳۸۴). *مبانی حق برخورداری از محیط زیست سالم در قرآن کریم*، مجله رواق اندیشه، شماره ۴۲.

۲۲. قرطبی، ابن رشد (۱۴۰۵ ق). *الجامع لاحکام القرآن*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۲۳. کیس، الکساندر؛ سند، پتر اچ؛ لانگ، وینفراید (۱۳۸۶). *حقوق محیط زیست*، جلد ۳، ترجمه محمد حسین حبیبی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۲۴. گرجی فرد، حمید رضا (۱۳۹۲). *جرم‌شناسی سبز و جرایم زیست‌محیطی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق محیط زیست دانشگاه شهید بهشتی.
۲۵. گسن، رمون (۱۳۸۵). *جرم‌شناسی نظری*، ترجمه مهدی کی‌نیا، چ دوم، تهران: انتشارات مجلد.
۲۶. _____ (۱۳۷۰). *جرم‌شناسی کاربردی*، ترجمه مهدی کی‌نیا، تهران، ناشر مؤلف.
۲۷. العاملی، جبلی (۱۴۲۵ ق). *حقوق الحيوان فی الاسلام*، بیروت: المرکز الاسلامی للدراسات.
۲۸. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ ق). *بحارالانوار*، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
۲۹. محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۸۴). *محیط زیست طبیعی از دیدگاه حکمت متعالیه*، مجله خردنامه صدرا، شماره ۴۲.
۳۰. _____ (۱۳۹۰). *الهیات محیط زیست (گزارشی از آرمان علامه اقبال لاهوری)*، فصلنامه اخلاق زیستی، شماره ۱.
۳۱. محمدزاده رهنی، محمد رضا (۱۳۸۹). *بررسی مبانی فقهی حفاظت از محیط زیست*، فصلنامه فقه و تاریخ تمدن، سال ششم، شماره ۲۵.
۳۲. مطهری، مرتضی (۱۳۷۴). *توحید*، تهران: صدرا.
۳۳. نبوی، سید عبدالحسن؛ شهریار، مرضیه (۱۳۹۳). *دین، اخلاق و محیط زیست*، فصلنامه انسان و محیط زیست، شماره ۲۹.
۳۴. نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۹۱). *مباحثی در علوم جنایی*، به کوشش شهرام ابراهیمی.
۳۵. _____ (۱۳۷۸). *پیشگیری از بزهکاری و پلیس محلی*، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۲۵ - ۲۶.

۳۶. نظری توکلی، سعید (۱۳۹۱). اخلاق زیستی و تبیین بایستگی‌های حفاظت و بهره‌وری از منابع آب در راستای آموزه‌های فقه محیط زیست، فصلنامه اخلاق زیستی، سال دوم، شماره ۳.

۳۷. النراقی، احمد بن محمد مهدی (۱۴۰۵ ق). *مستند آل شیعہ فی احکام الشریعہ*، قم: انتشارات آیت‌الله مرعشی.

۳۸. وایت، راب (۱۳۹۴). *جرایم زیست‌محیطی فراملی به‌سوی جرم‌شناسی جهان بوم*، ترجمه حمید رضا دانش‌ناری، تهران: نشر روناس.

۳۹. ولد، جرج؛ برنارد، توماس؛ اسنیپس، جفری (۱۳۸۰). *جرم‌شناسی نظری*، ترجمه علی شجاعی، تهران: سمت.